

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و هشتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 6 بهمن 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز عرض کردیم که از اخبار گذشته اعتبار ثقه بودن راوی فهمیده می شود و از همین برخی استفاده فقهی هم می کردند اما گفتیم که به این مبنا اشکالاتی مطرح شده است.

یکی از اشکالات این بود که خبر ثقه راهی است برای رسیدن به خبر موثوق و لذا خود خبر ثقه موضوعیت ندارد. استاد: من یادم هست که زمانی داشتم مصباح الفقهه مطالعه می کردم دیدم مرحوم آقای خویی در یک صفحه، در آغاز صفحه می فرماید ادله حجیت خبر آحاد اختصاص به خبر موثوق به دارد اما در پایین همان صفحه می گوید مناط در حجیت وثاقت راوی است. از طرفی هم شک نداریم که بین خبر موثوق الصدور و خبر راوی ثقه عام و خاص من وجه است معنا ندارد که ایشان در یک صفحه دو جور صحبت کند. البته چون تقریرات است ما نمی توانیم کلمه کلمه متن را به صاحب تقریر نسبت دهیم و لو اینکه ص 6 مصباح الفقهه است و عادتاً باید مرحوم خویی دیده باشد اما باز اساتید تقریراتشان را کلمه کلمه نمی خوانند.

باز مرحوم خویی در تنقیح می فرماید: خبر یا باید فی نفسها اطمینان آور باشد برای همه و یا باید شخص به آن وثوق پیدا کند اما چیزی که خبری از آن نیست وثاقت راوی است. ولذا جمع این کلمات مشکل می نماید.

استاد: شکی نیست که ثقه بودن راوی حتی مثل موثوق به بودن طریق است حتی یقین داشتن، طریق به واقع است و لذا اگر کسی واقع در نزدش آشکار شود اگر خبر شیعه صحیح اعلایی مخالف با فهمش بیاید اعتبار ندارد. اگر حضرات فرمودند خبر راوی ثقه را اخذ کنید به خاطر این است که 70 یا 80 درصد مطابق با واقع است؛ بینه، اقرار العقلا علی انفسهم و... طریق به واقع هستند. اگر کسی از زندگی سیر شده و به دروغ برود و اقرار کند من فلانی را کشته ام و... اگر قاضی بداند اقرارش دروغ است به آن ترتیب اثر نمی دهد چرا که اقرار طریق به واقع است. آیا ثقه بودن راوی که قرار شد طریق باشد در طریق بودن اصالت دارد یا نه؟

در مباحث حقوقی نظیر این بحث است که آیا شهادت کارشناس طریق به اطمینان قاضی است یا خودش در طریق بودن موضوعیت دارد؛ اگر خودش در طریق بودن موضوعیت داشته باشد ولو اینکه قاضی اقناع نشود و به اطمینان نرسد اما طبق آن حکم می کند.

استاد: من در اینجا شش گزینه نوشته ام و هر کدام طرفدارانی دارد البته ما باید ببینیم از ادله و روایات کدام گزینه استفاده می شود.

1: نفس ثقه بودن راوی مورد نظر شارع است و خودش در طریق بودن اصالت دارد اعم از اینکه وثوق به صدور باشد یا نه، این حرف به مذاق آقای خویی خوش می آید که می فرماید معیار خبر ثقه است؛ البته این نظر طرفدار چندانی ندارد و معمولاً کسی اعتراف نمی کند. استاد: اگر کسی این مبنا را بپذیرد اجتهاد بسیار منضبط و آسان می شود.

2: همان گزینه قبل است (ثقه بودن راوی مورد نظر شارع است) لکن به شرطی که وثوق به عدم صدور آن نباشد. مثال: ما گاهی خبر ثقه داریم ولی مشهور اعراض کرده اند و خیلی ها می گویند اعراض مشهور، اطمینان به عدم صدور می آورد. این قول طرفداران زیادی دارد و عملاً بسیاری از فقها همین رویه را دارند. طبق این قول ثقه بودن راوی خودش اصالت در طریقیت دارد.

3: ثقه بودن راوی به شرط حصول اطمینان به صدور معاً لازم است؛ اگر هر کدام نباشد فایده ای ندارد.

4: ثقه بودن راوی حتی در طریق بودن، طریقت دارد و الا آنچه معیار است وثوق و اطمینان به واقع است از هر طریقی که حاصل شود. الان یکی از نظرها در قضاوت این است که قاضی به قرار و اطمینان برسد از هر راهی که می خواهد باشد که از این به عنوان دلیل معنوی یاد می کنند.

5: هر کدام از وثاقت راوی یا وثوق به واقع از هر طریقی که حاصل شد حجت است.

6: هر کدام از وثاقت راوی البته به شرط نبود وثوق به عدم صدور یا وثوق به واقع به شرطی که از طریق خبر (نه پریدن کلاغ یا قیاس و...) به دست آید حجت است.

استاد: این شش گزینه که در مقام مطرح شده است؛ همه اقوال غیر از گزینه اول و سوم طرفدار جدی دارد، گزینه سه را هم در کلام یکی یا دو نفر از آقایان دیدم.

این شش گزینه را متاسفانه کسی بحث درست و حسابی نکرده است.

استاد: به نظر ما مهم ادله است و باید اقتضا ادله را دید. ادله ای که هست را باید از روایات به دست در بیاوریم، در بین این شش گزینه کدامیک از روایات در می آید؟ پاسخ: می شود گزینه اول را اینگونه تایید کرد چرا که وقتی متکلمی قیدی را می آورد اصل، موضوعیت داشتن است و الغاء خصوصیت خلاف اصل است.

و الحمد لله رب العالمین